

ندای اصفهان

کتاب الصلاة- فصل فی الصلاة العیدین- ادامه مقدمه احکام نماز عیدین- فصل فی الصلاة لیلة الدفن

کد خبر: 133411

24 اسفند 1399 در ساعت 6:45 ق.ظ

ندای اصفهان- حجت الاسلام جواد جلوانی

(مدرسه علمیه صدر بازار اصفهان)

در ادامه تقریر درس خارج فقه آیت الله سید ابوالحسن مهدوی (زید عزه) مورخ یکشنبه ۵/۱۱/۹۹ به نظر طلاب و علاقه مندان می رسد.

جهت دریافت دروس قبلی اینجا را کلیک کنید.

کتاب الصلاة- فصل فی الصلاة العیدین- ادامه مقدمه احکام نماز عیدین- مسئله ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱

فصل فی الصلاة لیلة الدفن- مسئله ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷

بسم الله الرحمن الرحيم.

مسئله ۴: می فرمایند اولی بلکه احوط آنست که نساء برای صلاه عید حضور پیدا نکنند مگر پیرزن ها. درمورد این مسئله در روایت ها اختلاف هست، در نظرات بزرگان هم از جمله شیخ طوسی در مبسوط ایشان می فرمایند «لا بعث بخروج العجائز و من لا هیئت لهن من النساء» آنهایی که هیئت ظاهری، جاذبه ای از نساء نداشته باشند، این افراد ایرادی ندارد. اما بعد می فرمایند «ولا یجوزُ ذلک لذوات الهیئات من هن و الجمال» که اگر صاحب هیئات باشند، صاحب زیبایی باشند و جاذبه داشته باشند؛ یعنی چهره ای داشته باشند که جلب توجه نامحرم را می کند می گویند که جایز نیست.

این فرمایش شیخ برگرفته از جمع بین روایاتی است که من فقط به آن ها اشاره می کنم در باب ۲۸ از همین ابواب صلاه جلد ۵ صفحه ۱۳۳ حدیث ۴ از باب ۲۸ حضرت می فرمایند: «لا بعث بآن تخرج النساء بالعیدين لتعرض الرزق» که امام صادق کلی هم می گویند و همه زنان را می گویند که می توانند هم عید فطر و هم عید قربان از خانه خارج بشوند برای این که این ها متعرض رزق شوند.

حدیث ۵ باب ۲۸ امیرالمؤمنین می فرمایند: «لا تحبس النساء ان الخروج فی العیدین فهو علیهن واجب» می فرمایند از خروج زنان جلوگیری نکنید و اجازه بدهید که آن ها خارج بشوند و بروند نماز عید بخوانند و نماز عید برای زنان نیز واجب است. این نشان می دهد که اصل جواز بلکه رجحان دارد اما ما مطمئن هستیم که با شرایط دارند می گویند نه این که زن بیاید و خودش را در

مسئله ۶: اگر شک کرد در تکبیرات و قنوتات که چند تا انجام داده است بنا را بر اقل می‌گذرد و بعد اگر معلوم شد که آورده بوده و این آقا تکبیرات یا قنوتات را زیاد کرده است نماز باطل نیست.

دو مسئله در این مساله ۶ دارند بیان می‌کنند؛ یکی این که اگر شک کرد بنا را بر اقل می‌گذرد این مقتضای قاعده است وقتی بین اقل و اکثر هست اصل همان قدر اقل هست، مسئله دوم این است که اگر بعد فهمید مثلاً در رکعت اول ۶ قنوت انجام داده این زیاده سهوی است که ضرر نمی‌زند چون قنوت از ارکان نماز عید نیست درحالی که واجب هست و واجب به حکم وضعی است نه حکم تکلیفی؛ یعنی شرط صحت نماز است که قبلاً صحبت آن را کردیم اما رکن نیست و سهواً اگر اضافه شد نماز باطل نمی‌شود.

مسئله ۷: اگر ماموم بعضی از تکبیرات را با امام درک کرد مثلاً وقتی رسید وارد نماز شد که امام دو قنوت خوانده باشد در این صورت می‌گویند باید از امام تبعیت بکند و آن ۳ قنوت را با امام می‌خواند و آن دوتایی را که نخوانده است را خودش تند می‌خواند و به رکوع امام خودش را ملحق می‌کند. و برای این که برسد کافی است که پس از هر تکبیر یک سبحان الله بگوید یا یک الحمد لله بگوید لذا دو قنوت با یک سبحان الله می‌گیرد و خودش را به رکوع می‌رساند و اگر امام او را مهلت نداد احوط آنست که اگر به رکوع امام نرسید نمازش را منفرد بکند. گرچه احتمال می‌دهیم که کفایت می‌کند اتیان به تکبیرات، یعنی بدون قنوت مثلاً همان سه تکبیر باقی مانده را بگوید و به رکوع برود. و اگر این را هم امام مهلتش نمی‌دهد ایضاً یعنی فرصت نمی‌دهد که حتی بخواهد سه تکبیر بگوید و امام زود از رکوع بلند شده و به سجده می‌رود، عبارت عروه «و الا ینحله ایضاً یترک» است و ظاهراً «یترک» غلط است و باید «فیترکه» باشد، صحیحش این است یعنی اگر مهلتش نمی‌دهد آن وقت ماموم ۳ تکبیر باقی مانده را ترک می‌کند و صبر می‌کند تا امام ۵ تکبیر و قنوتش تمام شود و به رکوع برود و سپس در رکوع از امام تبعیت می‌کند و بعد می‌گوید که احتمال هم می‌دهیم که جایز باشد که به امام ملحق بشود زمانی که اصلاً امام در رکوع است، یعنی از اول زمانی رسید که امام پنج قنوتش تمام شده بود و در رکوع بود، این را می‌گویند احتمال می‌دهیم که خودش را می‌تواند به رکوع برساند و لیکن این مشکل است و دلیل نداریم که امام از مأمومین قنوتات را تحمل بکند. آنکه دلیل داشتیم فقط قرائت بود.

در مورد این مسئله ۷ که واقعاً ۶-۷ مسئله را به این مناسبت دارند با هم ذکر می‌کنند چند نکته است که عرض می‌کنم.

نکته اول: ترکیب قرائت سوره این واضح است و قبلاً هم در بحث ضمان گفته‌ایم اما قنوتات را نه و تکبیرات را نه، این جا باید این طور بگوییم که این ۵ تکبیر برای ۵ قنوت در رکعت اول اصلاً این هیئت صلاه عید است باید بگوییم فصل صلاه عید از غیر صلاه عید در همین تکبیرات و قنوت است. این نظیر تکبیرات و دعاها در صلاه جنازه هست می‌شود ما نماز جنازه بخوانیم بدون تکبیرات و دعاهایی که دارد؟ اصلاً اینکه صلاه جنازه نیست.

لذا می‌خواهیم بگوییم که در صلاه عید هم ۵ قنوت در رکعت اول و ۴ تا در رکعت دوم واجب است و کسی که مسبوق است نسبت به امام و ۲ قنوت عقب افتاده وقتی که رسیده است این شخص باید مابقی قنوتات را زود انجام بدهد.

لذا **نکته دوم** ما همین است که اتیان قنوتات و تکبیرات واجب است البته از طرفی هم متابعت در رکوع لازم است، جمع بین این دو این است که تکبیرات باقی مانده را ماموم سریع می‌گوید، آن دو تکبیر و قنوت را می‌گوید و با یک ذکر الحمد لله و مختصر در قنوت و سعی می‌کند که خودش را به رکوع برساند.

نکته سوم احتمالی است که سید یزدی صاحب عروه داده‌اند که جایز باشد این دو قنوت که اگر امام مهلتش نمی‌دهد این دو قنوت را دیگر نگوید و صبر کند که امام به رکوع برود و تکبیر را بگوید و خود را به رکوع امام برساند. این احتمال شان مشکل

است با توجه به این نکته ای که گفتیم اصلاً هیئت صلاه عید و فصل آن از نمازهای دیگر در همین تکبیرات و قنوتات است که دیروز هم مسائلش را خواندیم ظاهرش فعل مضارع در مقام انشا بود و گفتیم مثل صلاه جنائز است نمی‌شود که ما در صلاه جنائز را بدون تکبیر بخوانیم اینجا هم سلام همین طور است.

ولیکن آیت الله العظمی خوئی ایشان ترک قنوتات را برای مأوموم برای این که به رکوع امام ملحق بشود گفتند که این احتمال غریب جداً و ما هم به ایشان می‌گوییم که عنده غریب جداً. از طرفی نیز به صاحب عروه می‌گوییم که چرا شما این احتمال را دادی؟ کلام شما با آن قولی که در مقدمه صلاه عیدین داشتید در تضاد است؛ در مقدمه گفتید که واجب است، پس چطور به مأوموم اجازه می‌دهید که ترک بکند، صبر بکند تا امام به رکوع برود و سپس خودش را بدون تکبیرات امام ملحق بکند؟

مسئله ۸: اگر مصلی سهو از قرائت کرد یعنی یادش رفت که در نماز عید قرائت کند یا یادش رفت و تکبیرات یا قنوتات را همه‌اش را یا بعضی از آن‌ها را نگفت؛ می‌گویند که این فرد نمازش باطل نیست ولیکن اگر سهو از رکوع و یا سجدتین و یا تکبیرها الاحرام کرد این‌جا دیگر نماز باطل است. دلیل این مسئله همان است که ادله سهو از ارکان که گفتیم باعث بطلان می‌شود آن دلیل‌ها شامل صلاه عیدین هم می‌شود.

مسئله ۹: اگر در صلاه عیدین موجب سجود سهو را آورد مثلاً کلام آدمی داشت، احوط آنست که آن سجود سهو را انجام بدهد، گرچه عدم وجود این سجود سهو در صورتی که اصل نماز مستحب باشد مثل زمان غیبت این خالی از قوت نیست. بنابراین وقتی نماز در زمان غیبت مستحب است می‌فرمایند که واجب نیست سجود سهو را انجام بدهد. و همین طور در بحث تشهد یا سجده آیا بعد از نماز قضایش را انجام بدهد یا نه؟ آن هم همین است. می‌گویند اگر نماز در دوران غیبت مستحب باشد نه دیگر تشهد و سجده لازم نیست که قضایش را انجام بدهد.

ما این‌جا به صاحب عروه ایراد داریم که شما این‌جا دارید می‌گویید که سجود سهو واجب نیست اما قبلاً تصریح کردید به عموم حکم و این که سجود سهو برای همه نمازها است و این دو عبارت‌شان با یکدیگر در تضاد است. مضافاً به این که این ندوی که دارید برای صلاه عید در زمان غیبت می‌گویید مستحب است ندو عرضی است و این به نسبت حکم تکلیفی است نه حکم وضعی.

بنابراین نسبت به حکم تکلیفی می‌گوییم بله در دوران غیبت مستحب است و واجب نیست اما نسبت به حکم وضعی آیا می‌توانیم بگوییم که نماز بدون سجده یا تشهد صحیح است؟ یا مثلاً سجود سهو انجام ندهد این را ما نمی‌توانیم بگوییم. فرض کنید که مثلاً در همین دوران غیبت می‌گوییم صلاه عیدین واجب نیست اما اجازه می‌دهیم که کسی بدون وضو بایستد و نماز بخواند، اصل نماز واجب نیست اما دیگر نگفته‌اند که حکم وضعیش یعنی صحت و بطلان عوض شده است. در کنار این نکاتی که گفتیم می‌گوییم احوط آنست که سجود سهو را رجأً انجام بدهد، شما دلیل خاصی برای خصوص صلاه عیدین ندارید که سجود سهو در آن واجب باشد.

مسئله ۱۰: در صلاه عیدین اذان و اقامه نیست و فقط مستحب است که مؤذن سه بار بگوید الصلاة الصلاة الصلاة. این را هم قبلاً بحثش را کرده‌ایم، نکته دیگری هم داشتیم که فرمود اذان و اقامه صلاه عیدین همان طلوع شمس است. عرض کردم نماز ظهر و

مغرب و نمازهای یومیة آنها اذان دارند به خصوص نماز صبح که مردم خواب هم هستند تأکید بیشتری هست که اذان گفته بشود ولیکن در مورد نماز عید چون طلوع شمس را همه با چشم خود می بینند که خورشید طلوع کرد و انگیزه هم دارند چون در سال یک بار نماز عید فطر خوانده می شود و یک بار هم نماز عید قربان خوانده می شود. لذا مردم نسبت به این نماز اهمیت بیشتری می دهند این است که دیگر نیازی نیست اعلام بشود و همان طلوع شمس کافی است.

مسئله ۱۱: آخرین مسئله ای که در بحث صلاه عیدین داریم این است که اگر اتفاق افتاد یک روز جمعه بود و همان روز نیز عید فطر یا عید قربان هم بود، به طوری که امام جمعه هم نماز عید را بعد از طلوع شمس می خواهد بخواند و هم ظهر می خواهد نماز جمعه بخواند، در این صورت سید می فرمایند کسی که نماز عید را بعد از طلوع شمس آمده و نماز عید را حاضر شده و خوانده است و فاصله او از شهر هم دور است چنین کسی با این دو شرط که هم نماز عید را آمده و هم از شهر دور باشد اختیار دارد به اینکه بعد از نماز عید به منزل برود یا برای حضور در نماز جمعه باقی بماند.

در توضیح این فرمایش حدیث ۲ باب ۱۵ را می خوانیم دقیقاً همین سوال را کرده است که روز جمعه بوده و روز جمعه دقیقاً با روز و پایان ماه رمضان مصادف شده است و پایان ماه رمضان پنجشنبه بوده و فردایش که عید فطر بوده هم نماز عید فطر را خواستند بخوانند و ظهرش هم نماز جمعه را خواستند که بخوانند. امام صادق (ع) در جواب فرمودند در زمان حضرت یک زمانی جمع شد حضرت این طور فرمودند که هرکس می خواهد برای جمعه بیاید، بیاید و اگر هم کسی نمی خواهد نماز جمعه را بیاید ضرر نمی زند و همان نماز ظهر را بخواند و خودشان هم دو خطبه خوانند که هم خطبه های عید را در آن ذکر کردند و هم خطبه های جمعه را خوانند.

معنای این روایت، اولاً رخصت برای مأمومین است و اما برای خود امام (ع) نشان می دهد که هم نماز عید را خوانند و هم نماز جمعه را خوانند و این طور نبوده که امام یکی از این نمازها را بخواند.

ما نمی دانیم که فعل امام بنابر اولویت بوده که هر دو را خوانده یا بنا بر وجوب بوده است ولیکن اظهر آنست که اولویت خواندن هر دو بوده است نه این که وجوب باشد. اگر بخواهیم بگوییم وجوب بوده پس باید بگوییم که تکلیف امام و مأمومین که گفتند می توانید ترک بکنید مشترک نیست و ما این را دلیل نداریم که این جا تکلیف امام با مأمومین فرق می کند. لذا باید بگوییم در این جا اولویت با خواندن بوده است.

از طرف دیگر یک ایرادی به عروه هست و آن این که ایشان شرط دیگری را هم اضافه کرده اند و گفته اند که کسی که دو شرط را رعایت نکند یکی این که نماز عید را آمده بعد از طلوع شمس خوانده و دوم این که مکانش از شهر دور باشد. اتفاقاً این روایت که خواندیم اصلاً کاری با دور بودن ندارد صرف این که در یک روز بخواند دو عمل عبادی انجام بشود امام (ع) اجازه داده اند که ترک بکند ولو این که خانه اش در همان شهر باشد، اما صاحب عروه این را فرمودند. امام خمینی (ره) دیدند و ایراد گرفتند و حق با حضرت امام هست و فرمودند کسی هم که حاضر و خانه اش در همان شهر یا در بیرون از شهر است اختیار دارد که زمانی که نماز عید را خواند اختیار دارد که آیا برای نماز جمعه بماند یا نه. قول حضرت امام (ره) صحیح است.

فصل بعدی در مورد **صلاه لیلة الدفن** است که دو رکعت است و من این را به طور مختصر عرض می کنم چون نماز مستحبی است و نمی خواهم که وقتتان خیلی گرفته بشود.

دقت کنید دو رکعت است، رکعت اول بعد از حمد آیت الکرسی را می‌خوانیم، رکعت دوم بعد از حمد ده تا سوره قدر را می‌خوانیم. مقتضای روایت این است که صدقه برای شب اول دفن میت بدهند و اگر چیزی ندارد نماز را به این شکل می‌گویند که بخوانند.

روایت این است که اگر چیزی نداشت که برای صاحب قبر صدقه بدهد آن وقت برای صلاه لیل الدفن برود وگرنه از ابتدا نگفته‌اند که نماز بخواند و اولی آن است که جمع بین هر دو باشد یعنی هم صدقه بدهد و هم نماز بخواند. ظاهر روایت کفایت صلاه واحده است و خصوصیتی در نماز بیشتر نیست مگر این که بگوییم ثوابش بیشتر است.

هفت مسئله را سید در این جا ذکر می‌کنند؛

- ۱- اشکال ندارد که برای صلاه لیلة الدفن اشخاص را استجار بکنند و اجرت به آن‌ها بدهند و می‌تواند اینطور هم نباشد.
- ۲- جایز است که یک نفر بیش از یک نماز بخواند. یک نفر ۵ نماز لیلة الدفن بخواند اگر پول گرفته است و یا تبرعی باشد. صاحب مال به مستأجر اذن بدهد و بگوید که شما می‌توانید ۱۰ نماز لیل‌الدفن بخوانید و اجراء صیغه نیز برای اجیر شدن لازم نیست و صرف اعطای اجرت به قصد نماز کافی است، این که عملاً پول را می‌دهد یعنی آن فرد را اجاره کرده است.
- ۳- اگر آیه الکرسی را فراموش کرد یا ده سوره قدر را فراموش کرد و یا حتی بعضی از آن را فراموش کرد مثلاً ۸ تا خواند نماز صحیح است اما اگر اجاره کرده باشد یا پول گرفته باشد کافی نیست.
- ۴- اگر اجیر فراموش کرد که آن شب نماز را بخواند و فردای آن یادش آمد، واجب است که اجرت را به صاحب متوفی برگرداند و یا این که از او اذن بگیرد که به قصد اهدای ثواب نماز را بخواند و اگر هم نمی‌تواند که دیگر رد کند (گاهی اوقات دیگر اصلاً او را نمی‌بیند) در این صورت اگر به رضایت موتی که نماز هدیه بخواند یا عمل دیگری انجام دهد علم دارد، مثلاً یک سوره قرآن بخواند طبق علمش عمل بکند اما اگر علم به رضایتش ندارد آن پولی را که گرفته است باید از طرف صاحب مال صدقه بدهد.
- ۵- اگر میت را بعد از مدت زیادی دفن کردند مثلاً یک هفته طول کشید ظاهر آنست که نماز را در همان شب دفن بخوانند اولی آنست که در اولین شب بعد از موت هم بخوانند اما آنچه که مرسوم است همان شب دفن است و اسم نماز هم همین است.
- ۶- کیفیت نماز لیلة الدفن در یک روایت دیگر می‌گوید که بعد از حمد ۲ توحید بخواند و در رکعت دوم بعد از حمد سوره تکوین را ده مرتبه بخواند و سپس بعد از نماز دعا کند و این هم چون نماز مستحبی است، ایرادی ندارد که این جوری خوانده بشود البته سید می‌فرماید که جمع اولی است.

۷- ظاهر آنست که نماز لیل‌الدفن را در هر زمانی از شب بخواند اشکالی ندارد منتها بهتر است که تعجیل کند و بعد از نماز مغرب و عشاء بخواند. حتی می‌تواند نماز لیل‌الدفن را بین نماز مغرب و عشاء هم بخواند حتی قبل از مغرب و عشاء نیز می‌تواند بخواند بنابر اینکه ما اجازه بدهیم که نماز مستحب را می‌شود بخواند کسی که نماز واجب بر عهده او است. البته اگر این نماز لیلة الدفن واجب شده باشد به واسطه این که اجاره شده باشد یا نذر کرده که بخواند دیگر قطعاً اشکالی ندارد که قبل از نماز مغرب و عشاء نیز خوانده بشود چون هم نماز مغرب و عشاء واجب است و هم نماز شب دفن اما آنجایی که نماز لیل‌الدفن مستحب باشد باز هم می‌گوییم اشکالی ندارد و می‌تواند قبل از نماز مغرب و عشاء یا بین دو نماز بخواند.

انتهای پیام/

برچسب‌ها: احکام نماز، تقریر، جواد جلوانی، درس خارج فقه، رکوع، سید ابوالحسن مهدوی، قنوت، مدرسه علمیه صدر بازار

برگرفته از ندای اصفهان: <https://nedayeesfahan.ir>

Copyright © 2015 ندای اصفهان. All rights reserved.